

## باسمه تعالی

۲ ..... **اوامر**

۲ ..... **تعبدی و توصلی**

۲ ..... **مقام اول: اصلی لفظی**

۲ ..... **مقدمه دوم: امکان اخذ قصد امر شرعا در تعبدیات**

۲ ..... **مرحله اول: امکان اخذ قصد امر شرعا در تعبدیات به امر اول**

۲ ..... **عدم داعویت امر به متعلقش در صورت اخذ قصد امر در متعلق شرعا**

۲ ..... **تصحیح داعویت امر به متعلقش به خاطر وجود امر ضمنی**

۲ ..... **بررسی مطالب سه گانه مرحوم آخوند در رابطه با امر ضمنی**

۲ ..... **مطلب اول: عدم وجود امر ضمنی به خاطر عدم انحلال**

۳ ..... **مطلب دوم: عدم وجود امر ضمنی بنا بر جزئیت قصد امر**

۳ ..... **ارادی بودن قصد امتثال**

۳ ..... **اشکال صغروی به ادعای مرحوم آخوند**

۴ ..... **مطلب سوم: مسلم بودن اتیان نماز به قصد ذات صلات**

**موضوع:** امکان اخذ قصد قربت در تعبدیات به امر اول / تعبدی و توصلی / اوامر

**خلاصه مباحث گذشته:**

این جلسه چون حاوی مطالب رئیسه ی جلسه قبل است از خلاصه نوشتن خودداری شده است.

**اوامر****تعبدی و توصلی****مقام اول: اصلی لفظی****مقدمه دوم: امکان اخذ قصد امر شرعا در تعبدیات****مرحله اول: امکان اخذ قصد امر شرعا در تعبدیات به امر اول****عدم داعویت امر به متعلقش در صورت اخذ قصد امر در متعلق شرعا**

بحث در مطلبی بود که مرحوم آخوند<sup>۱</sup> ادعا کرده بود. ایشان فرمود: امر اگر به مقید (ذات نماز و قصد امر) تعلق بگیرد، نمی تواند به ذات عبادت دعوت کند. چون امر به متعلق خودش دعوت می کند. گفته شد که این مطلب دلیلی ندارد و امر می تواند به امور مرتبط به متعلقش داعویت داشته باشد. خصوصا همان طوری که در جلسه قبل گفته شد امر می تواند به بعضی از متعلقش نیز داعویت داشته باشد.

**تصحیح داعویت امر به متعلقش به خاطر وجود امر ضمنی**

مطلب بعدی مرحوم آخوند پیرامون امر ضمنی بود. تا به حال مرحوم آخوند می گفت که امر نمی تواند به ذات عبادت دعوت کند چون ذات نماز به تنهایی امر ندارد. در این جا قائل، امر ضمنی برای ذات عبادت تصویر می کند. پس مکلف ذات نماز را به قصد امر ضمنی اتیان می کند.

**بررسی مطالب سه گانه مرحوم آخوند در رابطه با امر ضمنی****مطلب اول: عدم وجود امر ضمنی به خاطر عدم انحلال**

مرحوم آخوند فرمود: اگر قصد امر قید متعلق باشد، انحلالی به وجود نمی آید تا امر ضمنی تحقق پیدا کند. زیرا یک وجود بیش نیست. پس ذات نماز طبق این فرض، امر ضمنی وجود ندارد.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۷۳.

در رابطه با این مطلب گفته شد که این ادعا مبنایی است. در مقید (اجزاء تحلیله) انحلال، محل اختلاف است. مبنای مرحوم آخوند در این جا، عدم انحلال است. خیلی از علماء قائل به انحلال هستند. لذا طبق مبنای انحلال، ذات نماز امر ضمنی پیدا می‌کند. پس دو امر وجود دارد یک امر به ذات نماز و دیگری نماز با تقیدش تعلق گرفته است. نتیجه: نسبت به مطلب اول باید گفته شد که بحث مبنایی است و هر کس مبنای مرحوم آخوند را قبول کرد، نمی‌تواند امر ضمنی تصویر کند.

### مطلب دوم: عدم وجود امر ضمنی بنا بر جزئیت قصد امر

قائل گفت ما قصد امر را به نحو جزئیت فرض می‌کنیم تا مشکل انحلال به وجود نیاید. لذا امر ضمنی مشکلی ندارد. مرحوم آخوند گفت جزء نمی‌تواند باشد. زیرا اولاً قصد امر غیر اختیاری است. زیرا اراده کردن امتثال، امر غیر اختیاری است.

### ارادی بودن قصد امتثال

ادعای مرحوم آخوند درست نیست زیرا اولاً مرحوم آخوند در بحث قطع کفایه در تعلیقه فرموده است که اراده اختیاری است، از این باب که مقدمات آن اختیاری باشد. می‌تون مقدمات را به گونه ای تصور کرد که خود اراده اختیاری شود. مثلاً شخصی اراده ندارد با فکر کردن اراده پیدا می‌شود. ثانیاً اگر قصد امر، امر اختیاری نیست، چرا عقلاً لازم است؟ اگر قصد امر غیر اختیاری است پس عقل نیز نباید حکم به اعتبار آن کند. در حالی که مرحوم آخوند اعتبار عقلی آن را قبول دارد.

بررسی کبرای مرحوم آخوند( منوط بودن امر ضمنی به تحقق جزء در ضمن اجزاء)

مرحوم آخوند در جواب دوم به تصحیح امر ضمنی، یک کبرایی ادعا کرده است. ایشان فرمود: امر ضمنی داشتن جزئی، منوط به این است که جزء در ضمن اجزاء اتیان شود. مثلاً اگر یک رکعت نماز خوانده شود امر ضمنی ندارد چون دو رکعت، مجموع عمل است و یک رکعت در ضمن دو رکعت اتیان نشده است. در محل کلام مرحوم آخوند ادعا کرده است که ذات نماز جزئی از نماز است و وقتی امر ضمنی دارد که در ضمن کل قرار بگیرد و کل اتیان شود. فرض این است که قسمتی از نماز، به قصد امر خوانده شده است. پس چون در ضمن مجموع نیست امر ضمنی ندارد.

### اشکال صغروی به ادعای مرحوم آخوند

این که مرحوم آخوند کبرای ادعا شده را در محل بحث تطبیق کرده است صحیح نیست. زیرا اگر قصد امر ضمنی به جزء شد و با قصد امر ضمنی، جزء مفقود، تحقق پیدا نکرد، حق با مرحوم آخوند است. اما اگر وقتی اجزاء به قصد امر ضمنی اتیان شود و به این قصد امر ضمنی، جزء دیگر هم محقق بشود کبری منطبق می‌شود. وقتی مکلف قصد به ذات نماز را دارد و لو این که

قصد امر ضمنی شده است و قصد امر به کل نشده است ولی با قصد امر ضمنی، جزء دیگر که قصد امر است محقق می‌شود. پس با قصد امر ضمنی دو چیز محقق می‌شود یکی از آنها اجزاء مقصود است و دیگری تحقق جزء دیگری است که قصد به آن نشده بود. در حقیقت با یک تیر دو نشان زده می‌شود.

نتیجه این می‌شود که با قصد امر ضمنی کل محقق می‌شود. بلکه قصد امری که جزء بود، توصلی اتیان شده است زیرا او را قصد نکرده بود و این توصلی بودن اشکالی ندارد. همان طوری که مرحوم نائینی فرموده است<sup>۱</sup> در این صورت واجب تعبدی است که معظم اجزاء آن تعبدی است و یک جزء آن توصلی است و این هم اشکال ندارد زیرا ما آیه و روایتی نداریم که همه واجب باید یک نواخت باشند.

### مطلب سوم: مسلم بودن اتیان نماز به قصد ذات صلات

از مطاوی کلامات مرحوم آخوند یک مطلبی استفاده می‌شود که ایشان مفروغ می‌داند که برای اتیان صلات، ذات صلات قصد می‌شود و مفروغ می‌داند که ما نمی‌توانیم نماز به قصد امر را به قصد امر اتیان کنیم. بلکه چیزی که اتیان می‌شود ذات نماز است. وجه این مطلب روشن نیست. شاید یک مطلب ارتکازی باشد که عبادت باید به قصد امر اتیان شود نه این که خود قصد امر جزء باشد. یعنی قصد امر خودش باز هم قصد امر ندارد.

مرحوم اصفهانی فرموده است<sup>۲</sup> محال است که نماز به قصد امر به قصد امر اتیان شود. زیرا معنای نماز با قصد امر، به قصد امر اتیان شود این است که امر خدا داعی باشد. اگر بنا باشد که واجب مرکب از ذات نماز و قصد امر باشد لازمه اش این است که چیزی علت علیت خودش باشد. یعنی نماز به علت امر را به علت امر بخوان. یعنی امر به کل، علت امر را درست کند و شیء علت علیت خودش باشد. در حالی که این مطلب محال است.

ولی به نظر می‌آید که این مطالب خلاف وجدان است. زیرا برای قربی بودن، مجرد قصد امتثال، کفایت نمی‌کند. مثلاً پدری به بچه ی خود گفته است که فلان فعل را انجام بده چون من گفته ام فلان فعل را انجام بده. بعد بچه بگوید که من به خاطر امر تو فلان فعل را انجام می‌دهم اما انجام دادن آن به خاطر شاد شدن دل خودم این کار را انجام می‌دهم. پس داعی نفسانی پشت این داعی امر پدر است.

<sup>۱</sup> ادرس یافت نشد.

<sup>۲</sup> نهاية الدرايه فی شرح الکفايه، محمد حسين اصفهانی، ج ۱، ص ۳۳۱.

امکان دارد که مولی امر به فعلی که مقید به داعویت امر مولی است، کند. چون ما می‌توانیم فعل به خاطر او را به داعی امر او امتثال کنیم و فعل به خاطر او را به خاطر داعی نفسانی انجام دهیم.